

Gold as a Measure of Goods and Services: Issuance of Electronic Gold Voucher with Reference to Quranic Teachings

Vahid Salimi¹  Soheila Parastegari^{2*}  Mahbubeh Sadat Fadavi³ 


1. PhD Candidate in Quranic Sciences and Hadith, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Management, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: soheilaparastegary@gmail.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.430853.1293>

 <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27833356.1403.5.4.3.7>

Article History:

Received: 2024-01-01

Revised: 2024-07-11

Accepted: 2024-08-30

Online First: 2024-12-30

Keywords

Quranic Teachings,

Inflation,

Measure of Goods and Services,

Naqdain,

Electronic Gold Voucher.

Type of Article:

Research

This article is taken from the doctoral thesis of "Vahid Salimi" under the title "Quran model of better choice with a business approach" which was supervised by "Dr. Soheila Parstgari" and consulted by "Dr. Mahbobeh". Sadat Fadavi" in "Islamic Azad University, branch of Isfahan (Khorasgan)".

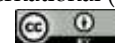
Abstract: The foundational structure of monetary economics and the prerequisite for realizing a resilient economy is the shift towards a resilient currency. As the nature of money changes, one should expect the structure of the economy to follow suit. The economic problems of Iran stem from a real (not hypothetical) issue known as "inflation," which itself arises from a faulty credit-based system in the economy, referred to as "fiat money." This study addresses the challenges of inflation, sanction vulnerability, and the devaluation of currency, all of which are inherently linked to the credit-based nature of money. The solution to these issues lies in transitioning from fiat money to a stable form of currency, as Islam provides a comprehensive framework for achieving an optimal life, which is integral to the realization of a new Islamic civilization. Alongside the immutable principles of transactions, Islam has left room for discovering practical methods that align with contemporary needs. Through an examination of Quranic teachings, it becomes evident that the Quran uses the term "Naqdain" (precious metals) rather than "money," highlighting the importance of maintaining a relationship between goods. In this research, based on Quranic principles and employing a descriptive-analytical method, the concept of issuing an electronic gold voucher with a serial code is proposed. This system would involve using gold in trade through electronic gold vouchers based on smart cards, as well as physically (through minted vouchers). Each gold unit would carry a serial number, and by tracking the code (serial number) of circulating vouchers, financial transactions by individuals or organizations can be monitored, thus preventing economic corruption. The adoption of gold as a measure of value would also reduce inflation and eliminate systemic usury.

How to cite:

Salimi, V. , Parastegari, S. and Fadavi, M. S.(2025). Gold as a Measure of Goods and Services: Issuance of Electronic Gold Voucher with Reference to Quranic Teachings. *Quran, Culture And Civilization*,5 (4), 49-71. Doi: 10.22034/jksl.2024.430853.1293

©2024 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



طلا معیار سنجش کالا و خدمات؛ صدور حواله کددار الکترونیکی طلا
با تکیه بر آموزه‌های قرآنی*



دریافت: ۱۴۰۲-۱۰-۱۱
بازنگری: ۱۴۰۳-۰۴-۲۱
پذیرش: ۱۴۰۳-۰۶-۰۹
انتشار آنلاین: ۱۴۰۳-۱۰-۱۰

<https://doi.org/10.22034/jksl.2024.430853>



وحید سلیمی^۱

سهیلا پرستگاری^۲

محبوبه سادات فدوی^۳



<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27833356.1403.5.4.3.7>

مقاله: پژوهشی

چکیده

زیربنایی‌ترین ساختار اقتصاد پول و پیش‌نیاز تحقق اقتصاد مقاومتی، حرکت به سمت پول مقاوم است. با تغییر ماهیت پول، باید انتظار داشت ساختار اقتصاد تغییر کند. مشکلات اقتصاد ایران ریشه در امری واقعی (نه حقیقی) به اسم «تورم» دارد. تورم خود نیز زائیده یک امر اعتباری غلط در اقتصاد به اسم «پول اعتباری» است. مسئله این پژوهش چالش تورم و تحریم‌پذیری و کاهش ارزش پول است که بی‌ارتباط با اعتباری بودن پول نیست. این موضوع با تغییر بستر معیشت جامعه از پول اعتباری به پول ثابت امکان‌پذیر است؛ زیرا اسلام تمام شئون دست‌یابی به زندگی احسن را برای انسان در مسیر دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته و در کنار احکام ثابت معاملات، عرصه را برای کشف شیوه کاربردی متناسب با مقتضیات باز گذاشته است. با مذاقه در آموزه‌های قرآنی مشخص شد قرآن به جای استعمال واژه «پول»، از «نَقْدَین» به‌عنوان حفظ نسبت میان کالا نام برده است. در این پژوهش و مطابق با آموزه‌های قرآنی، با روش توصیفی تحلیلی، ایده صدور حواله کددار الکترونیکی طلا ترسیم شده است. بر این مبنای، طلا در معامله‌های تجاری در قالب حواله کددار الکترونیکی طلا مبتنی بر کارت‌های هوشمند و نیز به صورت فیزیکی (ضرب حواله کددار) استفاده می‌شود. هر واحد پول طلا دارای شماره سریال است. با رصد کد (شماره سریال) حواله در گردش، تراکنش مالی افراد یا سازمان‌ها از بروز مفاسد اقتصادی جلوگیری می‌شود. کاهش تورم و حذف ربای سیستمی از دیگر آثار استخدام طلا به‌عنوان حافظ نسبت کالا است.

واژگان کلیدی: آموزه‌های قرآنی، تورم، معیار سنجش کالا و خدمات، نقدین، حواله کددار الکترونیکی طلا.

استناد به مقاله:

سلیمی، وحید؛ و همکاران. (۱۴۰۳). طلا معیار سنجش کالا و خدمات؛ صدور حواله کددار الکترونیکی طلا با تکیه بر آموزه‌های قرآنی. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۴)، ۴۹-۷۱.

Doi: 10.22034/jksl.2024.430853.1293

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری «وحید سلیمی» تحت عنوان «الگوی قرآنی به‌ترگزینی با رویکرد تجارت» است که با راهنمایی «دکتر سهیلا پرستگاری» و مشاوره «دکتر محبوبه سادات فدوی» در «دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان» انجام پذیرفته است.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). soheilaparastegary@gmail.com

۳. دانشیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.



۱. بیان مسئله

توسعه جوامع انسانی و پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی، تقاضایی فزاینده برای یک سیستم پرداخت کارآمد ایجاد کرد که بتواند مبادلات را تسهیل و تسریع نماید. در این راستا، نیاز به یک واحد اندازه‌گیری مشترک برای ارزش کالاها احساس شد و در نتیجه، پول به عنوان یک واسطه مبادله‌ای کارآمد پدید آمد. «آنچه باعث اختراع پول شد در وهله نخست، نیاز به انجام مبادله آسان و سریع و کاهش هزینه مبادله از راه تلقی پول به عنوان سنجش ارزش و واسطه مبادله، با سازوکار انتقال ذخیره ارزش کالا و دارایی و سرمایه و در مرحله دوم، پدید ساختن رابطه غیرمستقیم بین تولید و مصرف بود. یکی از چالش‌های مهم اقتصاد ایران رشد بالای نقدینگی بوده است. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، میزان نقدینگی کشور در نیم‌قرن اخیر بیش از ۳۵۰۰ برابر شده است؛ در حالی که تولید ملی در این دوره کمتر از سه برابر افزایش یافته است» (مطهری‌نژاد، ۱۴۰۱، ص ۱۴۱). موضوع تورم، تحریم‌پذیری، کاهش ارزش پول و لزوم جبران کاهش ارزش پول در دهه‌های اخیر، از مباحث چالش‌برانگیز محافل اقتصادی و فقهی بوده که بی‌ارتباط با اعتباری بودن پول رایج کشور نیست. تورم خود مولود یک امر اعتباری غلط در اقتصاد به «اسم پول» است. مشکلات اقتصاد ایران ریشه در امری واقعی (نه حقیقی) به اسم تورم دارد که خود مسبب مشکلاتی دیگری است؛ به طوری که حتی مشکلات رکود تورمی، فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری نیز به تورم برمی‌گردد. به عبارتی «اقتصاد در کشور ایران طوری شکل گرفته که تورم، ذات نظام اقتصادی تلقی می‌شود» (مهرآرا، ۱۳۹۳).

اثبات و قبول هر فرض از نظر اسلام بدان معناست که عمل به فرض دیگر، تجویز ظلم عظیم در سطح جامعه خواهد بود؛ چراکه اگر ربا ظلم است، در صورتی که جبران کاهش ارزش پول واجب باشد و جبران نگردد، در سطح کلان حقوق عظیمی از افراد ضایع خواهد شد که این خود ظلمی دیگر است. بنابراین اگر جبران کاهش ارزش پول مصداقی از رباست، راهکار جبران کاهش ارزش پول از نگاه اسلام چیست؟ اسلام چطور به فرض الحسنه تشویق می‌کند، در حالی که با در نظر گرفتن قاعده فقهی «لا ضرر»^۱، نباید از ارزش و مالیت پول قرض دهنده کم شود و از طرف دیگر، بهره و ربا نیز حرمت دارد؟ دین اسلام تمام شئون دست‌یابی به زندگی احسن را برای انسان در نظر گرفته است. انسان موجودی با آفرینش احسن (تین: ۴) است که توسط احسن الخالقین (مؤمنون: ۱۴) با برنامه‌ای احسن (قرآن کریم) برای انجام عملکرد احسن (ملک: ۲) و گفتاری احسن (زمر: ۲۱) پا به زندگی احسن گذاشته است تا به سعادت احسن (رعد: ۲۹) برسد. اسلام به مسئله اقتصاد به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود توجه کرده است (بقره: ۲۸۲). احکام دقیقی که با ذکر جزئیات در تمام مراحل تنظیم سند معاملات تجاری، در آیه ۲۸۲ بقره به عنوان طولانی‌ترین آیه قرآن (بقره: ۲۸۲) ذکر شده، بیانگر توجه عمیقی است که قرآن نسبت به نظام معاملات تجاری مسلمین و نظم کار آن‌ها دارد. پس منطقی به نظر می‌رسد قرآن کریم که به طور دقیق نکات ریز معاملات تجاری را مورد توجه قرار داده است، به موضوع مهمی همچون معیار سنجش کالا و خدمات نیز توجه کند؛ چون ممکن است بتواند از مسیر بهترگزینی یا حتی تأیید تقدین رایج در عصر نزول یا حتی پیش از عصر نزول از آن مورد مذاقه قرار گیرد. استخدام «حافظ نسبت کالا» برآمده از مبانی فرهنگ اسلامی (سیستمی برای حفظ ارزش واقعی کالاها)، می‌تواند راهگشای عبور از چالش‌های فعلی باشد و قطعه مهمی از پازل تمدن نوین اسلامی را تکمیل کند. به همین خاطر برای برون‌رفت از این معضلات، ایده به‌کارگیری معیار سنجش کالا و خدمات به جای پول اعتباری ضروری است.

۱. قاعده لا ضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیش تر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۱۸).

پژوهش حاضر برای تحقق این امر با روش توصیفی تحلیلی، تلاش می‌کند به این سوالات پاسخ دهد: ۱. شاخصه‌های معیار سنجش کالا و خدمات از نگاه آموزه‌های قرآنی چیست؟ ۲. اگر طلا از نگاه آموزه‌های قرآنی یکی از مصادیق حفظ نسبت میان کالا و خدمات است، ادله تاریخی فرهنگی و قرآنی و فقهی آن کدام است؟ ۳. عملیاتی شدن طلا به‌عنوان معیار سنجش کالا و خدمات، چگونه با دولت الکترونیک محقق می‌شود؟ ۴. آثار و چالش‌های معیار سنجش کالا و خدمات با طلا چیست؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، به دنبال بررسی طلا به‌عنوان معیار سنجش کالا و خدمات مبتنی بر دولت الکترونیک به‌منظور حفظ ارزش پول ملی و نیز کاهش نرخ تورم است. با جست‌وجو در مقالات، مطالعه‌ای درباره اهداف تحقیق حاضر یافت نشد. به همین دلیل این تحقیق از بُعد موضوع، یعنی ارائه شاخصه‌های معیار سنجش کالا و خدمات از نگاه آموزه‌های قرآنی و ارائه ادله تاریخی و قرآنی و فقهی تبیین طلا به‌عنوان معیاری صحیح با قابلیت سنجش کالا و خدمات نوآوری دارد؛ البته در ارتباط با مدل پول هوشمند در بازار سهام ایران و اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلام، مطالعات زیر صورت گرفته است:

ترکزاده و همکاران در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل پول هوشمند در بازار سهام ایران، مبتنی بر تئوری داده‌بنیاد» با روش داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین نشان داده‌اند که مدل به‌دست‌آمده از شرایط علی شامل عوامل کلان اقتصادی، وضعیت بازارهای جهانی، فضای سیاسی کشور، عوامل مربوط به صنایع و شرکت‌ها، شرایط زمینه‌ای شامل قوانین و مقررات وضع شده از سوی دولت، قوانین و مقررات وضع شده از سوی سازمان و زیرساخت‌های معاملاتی، شرایط مداخله‌گر شامل رفتار سرمایه‌گذاران حقوقی و حقیقی و رفتار بازارهای موازی، مقوله‌محوری به معنای ورود پول هوشمند به بازار سهام ایران، و راهبردها شامل راهبرد ورود به بازار و راهبرد کسب بازده است. همچنین در این مقاله، پیامدهای ورود پول هوشمند در دو سطح خرد و کلان عنوان شده که افزایش نقدینگی و ارزش معاملات از پیامدهای خرد است و در سطح کلان منجر به توسعه و گسترش بازار می‌شود.

یافته‌های پژوهش عیوضلو با عنوان «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلام» نشان داد، با تکیه بر رویکرد سیستمی و استفاده از اصول موضوعه اسلامی و زنجیره‌ای مرتبط به‌هم، اصول کلی نظام پولی در چهارچوب اقتصاد اسلامی استنتاج شده است. بدیهی است این اصول جنبه فرضیه‌ای دارد؛ بنابراین طی زمان قابل تغییر و تکمیل است. با این روش سه معیار کارایی و عدالت و تراضی در جایگاه معیارهای تطبیقی اسلامی و نیز چهار مبنای اساسی نظام پولی اسلامی در چهارچوب عقده‌های مشروع اسلامی و شرایط بازار عادلانه به این شرح معرفی شده است: ۱. ارزش پول به‌صورت سنج‌ای از عدالت اجتماعی، ۲. تبعیت قیمت پول از بازار حقیقی عادلانه کالاها و خدمات، ۳. امکان تعیین قیمت سایه‌ای برای پول و سرمایه نقدی، ۴. تراضی حقیقی در رفتار اقتصادی و مالی.

۱-۳. مفاهیم و اصطلاحات

الف) ربا: ربا به افزون شدن سود و زیادت‌تر از اصل مال گرفتن معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۴۰). از نگاه فقها، ربا بر دو گونه است: «نخست ربای در قرض، یعنی سود گرفتن در برابر قرض دادن؛ دوم ربای در معامله، به این معنا که فروشنده مقداری از جنسی را که دیگران با وزن یا پیمانه می‌فروشند، به زیادت‌تر از همان جنس بفروشد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۴۶). در اینجا منظور از ربا، ربا در معاملات تجاری است. ربا مورد نهی شدید خداوند قرار گرفته است؛ به‌صورتی که در قرآن رباخوار مانند کسی که به خدا و رسولش اعلان جنگ می‌کند، معرفی شده است:

«فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره: ۲۷۹): پس اگر [این کار] را نکردید، بدانید که از سوی خدا و رسولش در جنگید.

علامه طباطبایی معتقد است: شدتی که خداوند درباره مسئله ربا و رباخواری به کار برده، درباره هیچ یک از فروع دین، غیر از تبری از دشمنان خدا به کار نبرده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۰۹). یکی از دلایل و توجیحات رباخواران، بهانه کاهش ارزش پول اعتباری است.

ب) پول: پول ارزش مبادله‌ای محض اشیا و وسیله انتقال ارزش خدمت، کالا، دارایی و سرمایه است. پول استعداد و توانایی انتقال هر کدام از این موارد را به صورت قرض، امانت، اجاره یا مالکیت از فردی به فرد دیگر داراست، اما هیچ کدام از آن‌ها نیست و عینیت خارجی ندارد؛ بلکه میزان ارزش کالا، دارایی یا سرمایه به واسطه انتقال است (ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ص ۳). منظور از پول اعتباری پولی است که بر خلاف طلا و نقره ارزش ذاتی ندارد و ارزش آن حاصل اعتبار و توافق بین الاذهانی است؛ تمام ارزشش حاصل اعتبار است و ذاتاً ارزش و پشتوانه‌ای ندارد که ارزشمند باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۵۹).

ج) پول دیجیتال: پول الکترونیکی از لحاظ ساختاری عبارت از بیت‌های موجود در حافظه رایانه است که ارزشی برابر با ارزش پول نقد دارد (جلیلی، ۱۳۷۹، ص ۴۱) و می‌تواند جایگزینی الکترونیک برای پول نقد قرار گیرد. این پول با استفاده از سیستم‌های آنلاین محاسبه و منتقل و در یک دستگاه الکترونیکی نمایش داده می‌شود. دستگاه موردنظر می‌تواند نرم‌افزاری مانند یک سیستم بانکی، یک ارائه‌دهنده خدمات پرداخت، یک قطعه سخت‌افزاری مانند یک گوشی هوشمند یا یک دستگاه مغناطیسی مانند یک کارت اعتباری باشد. پول الکترونیک مانند اسکناس یا سکه به شکل فیزیکی قابل لمس نیست، ولی می‌توان آن را با استفاده از دستگاه خودپرداز به پول نقد فیزیکی نیز تبدیل کرد. کار پول دیجیتال چیزی شبیه به کار پول واقعی است. کاربرد پول الکترونیک که در حساب‌های بانکی ذخیره می‌شود، می‌تواند بسیار شبیه به پول نقد واقعی باشد.

د) تورم^۱: تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود (گولد، ۱۳۸۴، صص ۲۷۸-۲۷۹). تورم، روند افزایشی و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. هر چند بر پایه نظریه‌های گوناگون، تعریف‌های متفاوتی از تورم ارائه می‌شود، تمامی آن‌ها به روند افزایشی و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارد. تورم و کاهش ارزش پول، جزء ذاتی پول اعتباری است. تورم و نوسان قیمت می‌تواند یک امر ذاتی و درونی برای پول‌های اعتباری باشد و هر کجا پول اعتباری وجود داشته باشد، تغییرات ارزش واقعی پول در مقابل کالاها و خدمات و کاهش ارزش پول و بی‌عدالتی و توزیع ناعادلانه درآمد، دور از انتظار نیست. در این نوشتار مراد از تورم «کاهش ارزش ریال» است.

۲. شاخصه‌های معیار سنجش کالا و خدمات از نگاه آموزه‌های قرآنی

در آموزه‌های قرآنی، مباحث تجاری جامعه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که خداوند بزرگ‌ترین آیه قرآن را به این موضوع مهم اختصاص داده است (بقره: ۲۸۲). از آنجاکه اسلام در مواردی از جمله معاملات تجاری، راهبردها، خط‌مشی، سیاست‌ها و قوانینی کلی دارد، این راهبردها با به‌ترگزینی از نظریات و تجارب موفق بشری در حوزه بین‌الملل، می‌تواند به قانون، ابزار، تکنیک، مبانی و مدل بومی تبدیل شود. یکی از این موارد که این پژوهش به آن می‌پردازد، بحث «پول طلا» به‌عنوان یکی از معیارهای ثابت سنجش کالا است. شاخصه‌های معیار سنجش کالا و خدمات، از نگاه آموزه‌های قرآنی قابل استخراج است و در ادامه به چند مورد اشاره می‌کنیم.

۱-۲. توجه به میزان و مکیال

در آموزه‌های قرآنی، بر ضرورت توجه به «میزان و مکیال» تأکید شده است:

1. Inflation.

«فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۸۵): پس پیمانانه و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید.

مفسران معادل‌هایی چون پیمانانه، معیار، مقیاس، ترازو و وسیلهٔ سنجش را در تبیین مکیال و میزان بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۵۱). مسلماً اگر منظور از مکیال و میزان، معیارهای سنجش در جامعه باشد، در نظام‌های پولی جدید، «پول‌های اعتباری» مهم‌ترین وسیله، معیار مبادلات است. واژه «اشیاء» جمع «شیء» به معنای «چیز» است و «چیز» همه آنچه معقول است و از دارایی‌های مادی و غیرمادی مردم به حساب می‌آید، شامل می‌شود. منظور از «بخس اشیاء ناس»، همان کم گرفتن و کم بهادادن به اشیاء مردم است و همه‌گونه بهره‌کشی را شامل می‌شود. چون روشن است که «جمع مضاف» (اشیاء) مانند کلمهٔ دارای «ال تعریف» معنای عموم دارد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۳۱۷). شاید «اشیاء هم»، به حسب منط، کاهش ارزش پول را نیز شامل شود؛ زیرا مخدوش نمودن ارزش پول‌های اعتباری از طریق ایجاد تورم، می‌تواند در زمرهٔ ایجاد «نقص در مکیال و میزان» باشد که خداوند از آن نهی کرده است. قرآن کریم کمبود ایجادشده در یکی از عوَضین یک طرف معامله در دادوستد را نمی‌پذیرد (مطففین: ۱-۵). شیخ انصاری در کتاب المکاسب، تطفیف یا کم‌فروشی را ذیل عنوان «اموری که ذاتاً حرام است و به‌همین خاطر اکتساب با آن‌ها نیز حرام است» مطرح کرده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۳). آیت‌الله سبحانی حرمت کم‌فروشی را از ضروریات فقه دانسته است (سبحانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۱۵). بنابراین تطفیف شامل کالا و نیز معیار سنجش کالا و خدمات می‌شود و در هر صورت مورد پذیرش نیست. روایات متعددی بر «ضرورت حفظ اموال مسلمین» تأکید و حتی ضرورت آن را معادل حفظ جان تلقی کرده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «احترام مال مسلمان، مانند احترام خون اوست» (حر عاملی، ۱۹۸۳، ج ۸، ص ۵۹۹). این روایت بر عدم حلیت تصرف در اموال دیگران بدون اذن و طیب خاطر مالک دلالت می‌کند.

پول اسلامی باید کالایی باشد که اعتبار پولی یافته باشد؛ این در حالی است که پول جهانی اعتباری است که بر آن اعتبار پولی تعریف شده است، به این معنا که تولید ناخالص ملی که پشتوانه پول‌های رایج جهانی است، به‌صورت اعتباری است و اسکناس هم به‌صورت اعتبار و قراردادی، پول نامیده می‌شود. اگر اعتبار فرضی چنین پولی که پشتوانهٔ مشخص کالایی ندارد، از بین برود، با تغییر این اعتبار، ارزش پول نیز تغییر می‌کند؛ زیرا پول رایج کشور ثابت نیست؛ درحالی‌که قرآن از پول طلا سخن به میان آورده است:

«وَسَرَّوْهُ بَتَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ» (یوسف: ۲۰): او را به بهای کمی معادل چند درهم فروختند.

مقصود از «دراهم» پول خردی از جنس نقره بود که در آن روزگار در میان مردم رواج داشت (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۵). اگر معیار سنجش کالا و خدمات در جامعهٔ اسلامی به‌گونه‌ای طراحی شود که تورم‌زا نباشد و کاهش ارزش سرمایهٔ مردم را به همراه نداشته باشد، مشکلاتی از این قبیل به وجود نخواهد آمد.

۲-۲. حفظ مصالح عمومی جامعه

یکی دیگر از شاخصه‌های معیار سنجش کالا و خدمات از نگاه آموزه‌های قرآنی، آیاتی است که در مجموع به حفظ مصالح عمومی جامعه اشاره دارد. از معضلات اقتصاد ایران خلق پول بدون پشتوانه (خلق پول از عدم) است که شکاف طبقاتی عجیبی در جامعه ایجاد می‌کند و یک ربای سیستمی را رقم می‌زند. «بانک‌های ربوی و جوه مازاد سپرده‌ها را به صورت وام و اعتبار در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و آنان با افتتاح حساب سپرده‌های دیداری، وجوه دریافتی را به حساب دیداری واریز و به تدریج برداشت می‌کنند. در نتیجه بانک بعد از کسر ذخیرهٔ قانونی و احتیاطی سپردهٔ دیداری جدید، وجوه مازاد آن را دوباره به شکل وام و اعتبار در اختیار متقاضی دیگری قرار

می‌دهد و در نتیجه بانک‌ها وجوه اعتباری جذب‌شده را چندین بار وام و اعتبار می‌دهند و این چنین خلق پول می‌کنند» (توتونچیان، ۱۳۷۵، ص ۵۹). از نظر فقهی، خلق پول بانکی برداشت از جیب مردم و اکل مال به باطل قلمداد می‌شود؛ زیرا بانک در مقابل «هیچ» به کسب مال مبادرت می‌کند. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز بر اساس استفتایی که از ایشان منتشر شده است، «خلق پول از هیچ» را از سوی بانک‌ها را حرام و مصداق اکل مال به باطل دانسته است.^۱ خلق پول از مهم‌ترین پدیده‌های مخرب اقتصادی است که آثار منفی در اقتصاد به جای می‌گذارد که از جمله آن‌ها می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد تورم افسارگسیخته، تبعیض و نقض عدالت اشاره کرد. از سوی دیگر، منع سوءاستفاده از حق که مستفاد از ادله قاعده لاضرر است، بر ممنوعیت خلق پول دلالت دارد. ملاکی که در برخی روایات برای حرمت ربا بیان شده، عبارت از کسب سود بدون هیچ مابازانی است که بر خلق پول نیز بی‌کم و کاست صادق است و با تنقیح مناط قطعی می‌توان حرمت ربا را به آن تعمیم داد (محققان، ۱۴۰۱، ص ۵۹). دولت به هر دلیلی، از طریق انتشار پول به اموال مردم دست‌اندازی می‌کند و حرمت اموال مردم شکسته می‌شود؛ درحالی‌که این موجب ضمان است و مشروعیت ندارد.

از معضلات یکسان‌انگاری‌های مدرن، یکسان‌انگاری‌های گرانی و تورم است؛ درحالی‌که در گذشته نیز گرانی بوده و این چیز عجیبی نیست؛ اما تورم یک پدیده مدرن است. خلق پول از عدم به دلیل ایجاد تورم و کاهش ارزش سرمایه‌های مردم، موجب ضرر در اصل سرمایه است؛ درحالی‌که قرآن به حفظ اصل سرمایه‌های مردم اذعان دارد:

«فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹): سرمایه‌های شما از آن شماس است [یعنی اصل سرمایه، بدون سود]. نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود.

در آیات مرتبط با معاملات تجاری، بر حفظ مصالح عمومی مسلمانان تأکید شده است. خداوند در آیه زیر:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید؛ مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد.

پس از مسئله ایمان، به بعضی از مصالح عمومی جامعه از جمله عاری بودن معاملات از «اکل مال به باطل و تراضی طرفین معامله» اشاره می‌کند. «ادای حق پیمانانه، حفظ اصل اموال مردم و حفظ ارزش اموال مردم» در آیه «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»^۲ (اعراف: ۸۵) نیز به این مهم اشاره دارد. درحالی‌که با وجود تورم در ساختار بانکداری، از ارزش اصل سرمایه مردم روزبه‌روز کاسته می‌شود. باید توجه داشت که اموال مردم حق الناس است (اسرا: ۳۵) و نص قرآن بر ثابت ماندن ارزش پول و سرمایه مردم (بقره: ۲۸۲) تأکید می‌کند؛ به طوری‌که نباید با ایجاد تورم به اموال مردم خسارت وارد کرد (شعرا: ۱۸۱-۱۸۳). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است: «کلمه قسطاس به معنای ترازویی است که متاع را از نظر وزن با آن می‌سنجند» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۴۴۱).

۲-۳. اصالت مالکیت خصوصی

اسلام مالکیت خصوصی را محترم می‌شمارد و به رسمیت می‌شناسد. «دایره مالکیت خصوصی و شخصی محدود به آن قسم از اموال منقول و غیر منقول است که فرد تحت ضوابطی به دست می‌آورد. اسلام این‌گونه مالکیت را به عنوان احترام به حقوق فرد و به جهت حفظ انگیزه‌های کار و کوشش به رسمیت شناخته، تا هر کسی به اندازه توانایی و کارآیی خود کار کند و بازده کار خود را مالک گردد» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۶). شهید مطهری معتقد است: «اسلام دارای نظام و دانش اقتصادی است. در مسئله اصالت مالکیت فردی یا

۱. این کار مصداق بارز اکل مال به باطل است؛ زیرا سرمایه‌ای وجود ندارد که آن‌ها به وسیله آن معامله کنند؛ از سوی دیگر نیز باعث تورم و ضرر و زیان جامعه است و در مجموع بی‌شبهت به یک نوع کلاهبرداری نیست که آن هم حرام است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی).

۲. حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و بر اشیا و اجناس مردم عیب مگذارید و چیزی از ارزش اموال آن‌ها را کم نکنید.

جمعی، هر دوی آن‌ها را با توجه به مقتضیات و شرایط موجود از نظر اسلام معتبر می‌دانند. آزادی اقتصادی را البته با قید عدم خسارت به جمع می‌پذیرد و در مجموع بر رعایت مصالح جامعه در فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد. بر استقلال و اقتدار اقتصادی جامعه اسلامی تأکید می‌کند. افزایش ثروت ملی را مهم می‌داند و بیش از همه بر عدالت اجتماعی تأکید دارد» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹۲). بنابراین مالکیت فردی محترم است و تصرف در اموال دیگران، جز از راه معاملات صحیح و بر اساس رضایت، مورد پذیرش نیست. بر این مبنا آنچه جایگزین ریال می‌شود، باید مانع خدشه به مالکیت فردی باشد.

۲-۴. حفظ استقلال کیان اسلامی

بر مبنای آموزه‌های قرآنی، جامعه اسلامی باید در استخدام معیار سنجش کالا به صورت مستقل عمل کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «احتج إلى من شئت تكن أسيرة. به هر کس که خود را محتاج کنی، اسیر او می‌شوی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۴۰۰). بنابراین الگوگیری و وابستگی به بیگانگان در هر مقوله‌ای، از جمله استخدام معیار سنجش کالا، در آموزه‌های اسلامی جایگاهی ندارد؛ همچنانکه امیرالمؤمنین می‌فرمود «لا تزال هذه الأمة بخير ما لم يلبسوا لباس العجم ويطعموا أطعمة العجم، فإذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل. همیشه این امت در خیر و خوشی به سر خواهد برد؛ تا وقتی که لباس بیگانگان را نپوشیده و غذاهای آن‌ها را نخورده باشد. اما روزی که چنین کرد (نیازهای اساسی‌اش را با محصول و تولیدات بیگانگان تأمین نمود و عادت به استفاده از کالای خارجی یافت)، خداوند ایشان را گرفتار ذلت و خواری خواهد ساخت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۳۲۳). از طرفی دیگر بر اساس نص قرآن، قدرت‌یابی مسلمانان و رسیدن آنان به حدی از شکوه و عظمت ضرورت دارد؛ به طوری که دشمنان هرگز جرأت تعرض به جامعه اسلامی را به خود ندهند یا حتی به فکر آسیب زدن به آن نیفتند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ. هر چه از نیرو و امکانات در توان دارید، بسیج کنید تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید» (انفال: ۶۰). چنین اقتداری علاوه بر امور سیاسی و فرهنگی، شامل عرصه اقتصاد، از جمله استخدام معیار سنجش کالا نیز می‌شود. بر اساس قاعده نفی سبیل می‌توان گفت، پول در جامعه اسلامی باید توسط خود مسلمانان تدبیر و به کارگیری شود، نه تحت سلطه بیگانگان. مصداق بارز این مقوله، وابستگی و گره خوردن ریال به دلار است. آنچه جایگزین ریال می‌شود، باید این هنر را داشته باشد که تورم‌گریز، تحریم‌ناپذیر، فسادناپذیر، تقسیم‌پذیر و فاقد شبهه ربوی باشد؛ همچنین امنیت به کارگیری، قابلیت کنترل بر عرضه، محبوبیت و پذیرش عمومی، مطلوبیت جهانی، غیرفصلی بودن، برخورداری از پشتوانه ملی، مولد اقتصاد و موجب تسهیل گردش سرمایه باشد و در عین اینکه حافظ مصالح عمومی جامعه است، به تقویت و حفظ کیان جامعه کمک کند. طلا یکی از مصادیقی است که این ویژگی‌ها را دارد و به عنوان معیار سنجش کالا و خدمات در آموزه‌های قرآنی مطرح شده است.

۳. طلا معیاری برای سنجش کالا و خدمات

اگر موقعیت طلا و نقره را در اجتماع و نقش آن‌ها را در حفظ قیمت‌ها و سنجش نسبت‌ها میان اجناس و اموال به دقت در نظر بگیریم، به خوبی روشن می‌شود که نقدین در حقیقت نمایش‌دهنده نسبت‌هایی است که هر چیز نسبت به چیزهای دیگر دارد و به همین خاطر که «نمایش‌دهنده نسبت‌ها یا به عبارتی اصلاً خود نسبت‌هاست، در نتیجه با بطلان آن، همه نسبت‌ها باطل می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۴۴۱). بنابراین قرآن کاربرد استفاده از نقدین را حفظ نسبت میان قیمت کالاها در بازار می‌داند. این مهم در ادامه، از طریق ادله تاریخی و قرآنی و فقهی بررسی می‌شود.

۳-۱. ادله تاریخی و فرهنگی

سابقه رواج سکه فلزی به قرن هشتم پیش از میلاد در لیدیا واقع در آسیای صغیر می‌رسد. در قرن چهارم پیش از میلاد، ایران نخستین کشوری بود که نسبت برابری سکه‌های نقره و طلا را بر مبنای ۱۳۱۲ و یک قرار داد (مورگان، ۱۳۷۱، ص ۱۵). ایرانیان به تقلید از رومیان، به ضرب سکه‌ای از طلا اقدام کردند (مقریزی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۱-۶۲). ظهور اسلام در زمان حاکمیت نظام پولی دو پول فلزی سکه‌های طلا و نقره بود و معاملات معمولاً با دینار صورت می‌گرفت، تا اینکه عبدالملک مروان، به توصیه امام باقر علیه السلام سکه‌های رایج را جمع‌آوری و سکه‌های اسلامی ضرب کرد (دمیری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۷). بررسی تاریخ تحولات درهم (پول نقره) و دینار (پول طلا) و نسبت‌های موجود میان این دو در اعصار مختلف، نشان می‌دهد که در زمان صدور روایات معصومین علیهم السلام، میان این دو نقد اسلامی یک معادله ارزشی و وزنی وجود داشت و آن‌ها به یک نسبت با هم برابر بودند. این نسبت از نظر ارزش، معمولاً یک به ده و ده درهم نقره با یک دینار طلا برابر بود (بیهقی، ۱۹۶۱، ج ۲، صص ۲۳۶-۲۳۲).

به‌کارگیری طلا توسط ایرانیان از زمان قدیم تا فرهنگ مدرن، در هنر و به‌ویژه در طراحی زیورآلات قابل مشاهده است. غفلت از درک تمدنی وضعیت ایرانیان در سده اخیر، نه تنها موجب عقیم ماندن پروژه انقلاب اسلامی خواهد شد، بلکه بر تقویت فرهنگ غرب‌زدگی در ایران و افزایش بحران فرهنگی و تنش‌های بزرگ اجتماعی در آینده خواهد افزود. متولی امامی می‌نویسد: «تمدن‌ها برآمده از تفکر و فرهنگ یک جامعه هستند و پول اعتباری برآمده از فرهنگ و جامعه غربی است؛ زیرا پول اعتباری یک نظام تمدنی ایجاد کرده است (مثل بانک، بیمه، اوراق قرضه و غیره) و تمامی این‌ها زاینده فرهنگ و تفکر و بینش غیرتوحیدی غرب است. اما نهاد پولی در فرهنگ و تفکر اسلامی، پول طلاست که حول خود، نهادهایی از جمله نهاد بیت‌المال، زکات و قرض را شکل می‌دهد. دلیل اینکه جامعه ما نمی‌تواند با پول اعتباری کنار بیاید و همیشه در بحران پولی، اقتصادی، تورمی و تحریمی قرار دارد، این است که فرهنگ و تفکر حاکم بر کشور ما با پول اعتباری بیگانه است و نمی‌تواند با نهاد تمدنی پول اعتباری سازگار باشد» (متولی امامی، ۱۳۹۷، صص ۶۸-۵۲).

۳-۲. ادله قرآنی

در قرآن، معیار سنجش کالا و خدمات با واژه‌هایی چون ثمن و درهم (یوسف: ۲۰)، دینار (آل عمران: ۱۴ و ۷۵)، ذهب و فضّه (آل عمران: ۱۴)، بضاعة (یوسف: ۸۸)، وِرق (کهف: ۱۹) بیان شده است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۳۶۲).
در آیه «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُمَقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»: محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است. این‌ها سرمایه زندگی است»، خداوند محبت به طلا و نقره را در کنار محبت به زن و فرزند آورده است. در واقع این آیه پایه و اساس زندگی طبیعی را مطرح کرده است. ذهب و فضّه باید در بازار باشد تا حفظ نسبت میان مرکب و کشاورزی پابرجا بماند. بر همین اساس علامه طباطبایی به وجود ارتباط بین تمام اجزای این عالم در این آیه اشاره داشته و این نظام جاری را در سراسر عالم به هم پیوسته و متصل دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۵۶). حذف طلا و نقره از معاملات تجاری مفاسدی را به دنبال خواهد داشت. از آنجاکه قرآن کتابی دقیق است و استعمال واژگان در آن پشتوانه منطقی دارد، استعمال این دو واژه که در واقع از جنس پول (ذهب و فضّه) سخن به میان آورده، دارای منطوق و حکمتی است. به تعبیر علامه طباطبایی، «طلا و نقره جعل خداوند بوده است» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۵۶). علت نام بردن از تقدین در آیه ۳۴ سوره توبه، حفظ نسبت میان کالا و خدمات است. اگر این دو از بازار معاملات حذف شوند، به دلیل کنز شدن و حذف از کف بازار معاملات، نسبت میان قیمت‌ها به هم می‌ریزد. به همین دلیل قرآن از کنز

طلا و نقره نهی می‌کند. جریان نقدین در مسیر قوام جامعه و ضروریاتی مثل خمس و زکات، دیه فطریه و مهر السنه است (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۳۹).

علامه طباطبایی در مورد ماهیت پول آورده است: «پول باید برای حفظ نسبت‌ها معیار ارزشی ثابتی داشته باشد و طلا مقام اول را دارد. [بشر] در میان اجناس عزیزالوجود به پاره‌ای از فلزات از قبیل طلا و نقره برخورد و در نتیجه طلا و نقره به صورت نقدینه‌هایی درآمدند که ارزش خودشان ثابت و ارزش هر چیز دیگری با آن‌ها تقویم و ارزیابی گردید. ویژگی‌های برجسته و منحصر به فرد طلا باعث شده است این فلز بتواند جایگاه خاصی در عرصه اقتصاد داشته باشد و قرآن از ذَهَب و فضّه (آل عمران: ۱۴) نام برده است» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۳۱). به همین دلیل امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند طلا و نقره را برای مصلحت خلق آفرید، تا شئون زندگی و خواسته‌های آن‌ها تأمین شود» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۳). با مذاقه در آموزه‌های قرآنی مشخص می‌شود، قرآن به جای استعمال واژه پول، از «نقدین» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۳۱) استفاده کرده و استخدام واژه پول مربوط به حدود صدسال پیش برمی‌گردد.

خداوند برای هر چیزی قدر و اندازه در نظر گرفته است: «وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ» (اعلی: ۳). از طرفی قرآن تبیان است (نحل: ۸۹) و هدایت توسط انبیا صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه اولین کسی که درهم و دینار را ضرب کرد، حضرت آدم علیه السلام بود (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۱)، مگر می‌شود تبیان و هادی، نسبت به جنس پول بی تفاوت باشند؟ ضمن آنکه اسلام پول کفار قبل از اسلام را امضا نکرده، بلکه پولی را که توسط حضرت آدم ضرب شده، امضا کرده است (بلاذری، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۴۴۸).

۳-۳. ادله فقهی

در ابواب مختلف فقه، دیون و تعهدات شرعی افراد، اعم از کفارات و زکات و دیات، گاه با دینار و گاه با درهم تقدیر شده است. برای نمونه در باب دیات، دیه کامل مرد مسلمان هزار دینار یا ده هزار درهم تعیین شده که این دو مبلغ در عصر تشریح و در جامعه آن روز کاملاً با هم برابر بوده است (نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۴۳، ص ۱۱). بنابراین ائمه اطهار علیهم السلام همیشه بر استفاده از نقدین در زمینه معاملات و اخذ زکات تأکید کرده‌اند (حر عاملی، ۱۹۸۶م، ج ۶، ص ۹۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۵۲۴-۵۲۵؛ علامه حلی، ۱۳۳۳ق، ج ۱، ص ۴۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۳۲؛ نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۵، ص ۱۷۰). برخی از روایات، استخدام و استعمال طلا و نقره را در مواردی غیر از مصارف پول محدود می‌کند؛ با این هدف که برای انجام معاملات، طلا و نقره در کف بازار و در دست مردم بماند. نهی استفاده از طلا برای مردان و نهی خوردن و آشامیدن در ظروف طلا و نقره به همین دلیل است (حر عاملی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۱۰۸۳). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قدرت و حکمت خداوند در طلا و نقره نشان داده شده و اراده خداوند از خلقت طلا و نقره برای انجام معاملات بوده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۸۳). در روایت آمده است که معیشت اصلاح نمی‌شود، مگر به واسطه درهم و دینار (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۲۰)؛ از این رو «شارع مقدس نقدین را به عنوان معیاری برای پرداخت کفاره‌ها و خسارت‌ها و مالیات‌های شرعی قرار داد» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۱۰۱) و به این ترتیب در ابواب مختلف فقه، بسیاری از احکام و تعهدات شرعی بر پایه تصویری که در آن اعصار از این دو نقد رایج بود، شکل گرفت.

از بررسی کتاب‌های فقهی و تاریخی و کتاب‌هایی که در زمینه اوزان و مقادیر نوشته شده چنین برمی‌آید که وزن دینار برخلاف درهم، از آنچه در زمان جاهلیت بوده تغییر نیافته و در تمام طول دوران اسلامی ثابت مانده است (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۳) «در بین فقهای شیعه و غیر شیعه، در اینکه وزن درهم و دینار همواره ثابت بوده و در دوران جاهلیت و اسلام تغییری نیافته، اختلافی وجود ندارد و گروهی

از علمای دو مذهب نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند» (حر عاملی، ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۱۰۱). بر اساس نظر مشهور میان فقها، مهرالسنه پانصد درهم نقره بوده است (حر عاملی، ۱۹۸۳م، ج ۱۵، ص ۸).

پول اعتباری، عمری بیش از صدسال ندارد و مبنای اقتصاد اسلامی معیار ثابت (تقدین) برای سنجش کالا و خدمات است، نه پول اعتباری؛ ضمن آنکه پول اعتباری با مبنای قرآنی سنخیت و هماهنگی ندارد و تمرکز ثروت را نتیجه می‌دهد. این در حالی است که فقرزدایی جزء برنامه‌های اصلی اسلام است و برنامه‌ریزان اقتصادی در نظام اسلامی باید به تعدیل ثروت و تمرکز نیافتن آن در دست یک گروه خاص توجه داشته باشند: «كَي لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ: تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نگردد» (حشر: ۷). این نوسانات، اجرای احکام الهی همچون دیه را با چالش مواجه می‌کند (حر عاملی، ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۹۲).

۴. چگونگی عملیاتی شدن طلا به عنوان معیار سنجش کالا و خدمات

نظام پولی در طول تاریخ همواره دستخوش تغییرات بوده است. در صدر اسلام، نظام پولی منحصر به فردی بر پایه سکه‌های درهم و دینار شکل گرفت. این نظام با مکانیزم‌های خودکار خود توانست پایداری قابل توجهی را در ارزش پول و سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد کند. «نظام پولی صدر اسلام به نحو خودکار مانع از نوسانات شدید ارزش پول و سطح عمومی قیمت‌ها در بلندمدت می‌شد؛ بنابراین ارزش پول (مسکوک درهم و دینار) در عصر تشریح در بلندمدت با نوسان یا کاهش شدید مواجه نمی‌شد» (موسایی، ۱۳۷۶، صص ۶۰-۶۸). با الگوبرداری از این رویکرد در عصر نزول و حتی پیش از آن، می‌توان با بازتعریف مؤلفه‌های پول از جمله کارکرد، مصداق، ارزش‌گذاری، نحوه انطباق با دولت الکترونیک و مانند آن، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی جامعه را بر طرف نمود.

در شرایط کنونی اقتصاد جامعه، طلا گران نشده، بلکه ریال بی‌ارزش شده است. قیمت طلا در سال ۱۹۷۱م و بعد از شوک نیکسون، با اعلام دفعی شناور شدن نرخ دلار، پنجاه برابر شده است. این در حالی است که عرضه، قدرت خرید و مطلوبیت آن یک پنجاهم نشده؛ بلکه ارزش دلار به یک پنجاهم کاهش پیدا کرده است. بنابراین وقتی گفته می‌شود طلا گران شده است، در واقع گزاره غلطی استفاده می‌شود تا تحلیل‌ها را در مورد قیمت طلا به خطا سوق دهد. در شرایط تحقق پول طلا، کاهش ارزش دلار تأثیری بر اقتصاد کشور نخواهد گذاشت؛ بلکه شرایط فعلی و وجود پول اعتباری، بر اقتصاد تأثیر منفی دارد.

همگام با پیشرفت تکنولوژی در زمینه فناوری اطلاعات، استفاده از پول الکترونیکی در مبادلات روبه افزایش است. گزینش پول الکترونیک به جای اسکناس و مسکوک منتشره از سوی بانک مرکزی، «ضرب حواله کددار الکترونیکی طلا مبتنی بر کارت‌های هوشمند»، بستر معیشتی جامعه را از پول اعتباری به پول ثابت منتقل می‌کند. به بیان دیگر، پول طلا یک معامله کالابه کالا را شکل می‌دهد. بر این اساس لازم است یک واحد پول ملی جدید تعریف شود که ارزشش همواره معادل وزن مشخصی از طلا باشد و این واحد جدید معادل یک میلی‌گرم طلای ۱۸ عیار در لحظه تعریف شود. قیمت یک گرم طلای ۱۸ عیار همواره بر اساس تعریف قانونی، هزار واحد جدید پول ملی خواهد بود و این امر باید توسط بانک مرکزی و دولت، نظارت شود و با پشتوانه ذخایر طلای بانک مرکزی کنترل و مدیریت گردد. انجام مبادلات طلا به صورت دیجیتال صورت می‌پذیرد و بنابراین امکان چاپ حواله طلا بدون پشتوانه میسر نخواهد بود.

در زمان شروع اجرای طرح تثبیت ارزش پول ملی در برابر طلا، موجودی ریالی تمام حساب‌ها، با توجه به قیمت ریالی طلای ۱۸ عیار در آن لحظه، به معادل واحد جدید تبدیل و اسکناس‌های ریالی با اسکناس‌های این واحد، به تدریج اما با همان نرخ برابری منجمد شده در لحظه شروع، جایگزین می‌شود. در این صورت پول با گذشت زمان از ارزش نمی‌افتد و دچار تورم نمی‌شود. ضمن آنکه سنت قرض الحسنه هم احیا می‌شود و می‌توان سود را هم از نظام بانکی حذف و بانک‌داری اسلامی بدون ربا را محقق کرد. ارزش این پول در

برابر ارزهای خارجی، با گذشت زمان کم نخواهد شد؛ زیرا قیمت طلا به هر ارزی که مبنا باشد، در درازمدت افزایش می‌یابد و در نتیجه امکان تبدیل شدن به واحد پول بین‌المللی را هم خواهد داشت. در مبالغ بین‌المللی شمش طلا می‌تواند به جای دلار جایگزین شود. میزان طلای موجود در جهان، برای ایجاد پول طلا کفایت می‌کند. بنابراین پرسش از میزان طلا برای برقراری استاندارد آن، گزاره‌ای انحرافی است؛ چراکه هر مقدار پول، همیشه پاسخ‌گوی تمام نیازهای جامعه خواهد بود. در واقع مردم به مقدار پولی که در کیف پول یا حساب بانکی خود دارند، اهمیتی نمی‌دهند. قدرت خرید برای آن‌ها مهم است. اگر قیمت‌ها آزاد و انعطاف‌پذیر باشد، مقدار پول موجود هر چه که باشد، بین خریداران و فروشندگان توزیع می‌شود. به این ترتیب، مقدار پول موجود برای تأمین قدرت خرید مورد نیاز برای خرید همه کالاها و خدمات موجود، با قیمت‌های رقابتی حاکم بر بازار تنظیم می‌شود. منابع تحقق پشتوانه پول طلا می‌تواند از طرق گوناگونی تأمین شود؛ از جمله فروش بنگاه‌ها و اموال مازاد بانک‌ها. بنابراین اشکال کمبود منابع برای تحقق پول طلا موضوعیت ندارد. خلق پول طلا متناسب با رشد تولید صورت می‌پذیرد.

۵. آثار و چالش‌های طلا به عنوان معیار سنجش کالا و خدمات (شکل ۱)

۱-۵. چالش‌ها

۱-۱-۵. تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی حواله کددار الکترونیکی طلا

از مسائل مهم بانکداری اسلامی، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مطلوب برای سامان بخشیدن به بحث پول است. برای تحقق پول طلا لازم است در بانک مرکزی کمیته‌ای از فقها، حقوقدانان، اقتصاددانان اسلامی، مسؤلان خبره و دلسوز نظام بانکی، نمایندگان اصناف و اتحادیه‌هایی که دارای شعب بنگاه تجاری در ساختار مربوطه هستند، تشکیل شود. مدل پیشنهادی مستلزم تحول اساسی در ساختار نظام پولی و نیازمند برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

۲-۱-۵. وضع قانون مالیات بر مازاد میزان مصرف و عواید مردم

لازم است برای جلوگیری از کنز شدن طلا، قانون مالیات بر مازاد میزان مصرف و عواید مردم وضع شود. مالیات بر عایدی سرمایه یکی از پایه‌های مالیاتی است که در بسیاری از کشورها برای کنترل نوسانات بازارهای مهم نظیر خودرو، مسکن، طلا و ارز اعمال می‌شود. مبانی این راهکار برگرفته از آموزه‌های اسلامی است. اسلام با اسراف و مصرف‌گرایی مخالف است: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ: چون ثمر داد، از میوه آن بخورید و حق [بینوایان] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید و زیاده روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد» (انعام: ۱۴۱)؛ همچنین روحیه اتراف را رد می‌کند: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا: ما چون بخواهیم اهل دیاری را به کیفر گناه هلاک سازیم، به پیشوایان و متعلمان آن شهر امر کنیم. پس آن‌ها راه فسق در آن دیار پیش گیرند و در نتیجه تنبیه و عقاب لزوم می‌یابد. آنگاه همه را هلاک می‌سازیم» (اسرا: ۱۶)؛ اما در عین حال ترغیب می‌کند که مسلمانان با حفظ خودکفایی و استقلال (نساء: ۱۴۱)، به گردش سرمایه (انفال: ۴۱) در حوزه تولید و عمران (هود: ۶۱)، کشاورزی (انعام: ۱۴ و نحل: ۱۴) و دامداری اهتمام ورزند. این مهم نشان از این دارد که مازاد احتمالی سرمایه که به دلیل مصرف بهینه مطابق با نیاز جامعه پدید آمده، به جای هدایت به سمت بازار مسکوکات، ارز، مسکن و خودرو، با گردش در مسیر تولید و عمران کشور، سبب خودکفایی در زمینه‌های گوناگون از جمله صنعت، تجارت و کشاورزی شود. در جهان امروز، هر کدام از این موارد یکی از مؤلفه‌های قدرت به حساب می‌آید و با این توصیف، کشور در تمام ابعاد از سلطه بیگانگان به دور خواهد بود. «این قانون بیش از صد سال سابقه اجرا در جهان دارد و در کشورهای بریتانیا، کانادا، فرانسه، اتریش، ترکیه و آمریکا اجرا می‌شود. دارایی، با مقدار

ارزش ملک نسبت مستقیم دارد و حجم سیلندر موتور مهم‌ترین عامل در افزایش مبلغ مالیات بر وسیله نقلیه است» (قاسمی نسب، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷). نوسانات و قیمت املاک مسکونی در کشورهایی که مالیات بر عایدی سرمایه دارند، نسبت به کشورهای فاقد این نظام مالیاتی کمتر است. سیاست‌گذاران حوزه پولی و بانکی با محوریت فقهای اقتصادی و تجاری، می‌توانند این راهکار را با الگوگیری از کشورهای موفق در اجرای این طرح اجرا کنند. برای تحقق این امر ضروری است دولت لایحه‌ای جامع و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و منافع افراد و گروه‌های خاص به مجلس بفرستد. قوه قضاییه نیز بدون مصلحت‌اندیشی و وظیفه خود را هنگام اجرای قانون مالیات بر عایدی سرمایه انجام دهد. اگر قانون مالیات بر مازاد عایدی سرمایه اجرایی شود و از این طریق بازدهی نسبی فعالیت‌های غیرمولد کاهش یابد، در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری به سمت فعالیت‌های مولد سوق داده خواهد شد؛ ضمن آنکه از کنز شدن طلا و به‌کارگیری در مواردی غیر از حفظ نسبت میان کالا و خدمات جلوگیری می‌شود.

۳-۱-۵. ایجاد و تقویت زیرساخت‌های تولید (مردمی سازی اقتصاد)

با حذف سرمایه‌گذاری در بازارهایی از قبیل طلا و مسکوکات، لازم است جهت سرازیر شدن سرمایه‌های مردم به سمت تولید، زیرساخت‌های تولید تقویت شود. طبق آموزه‌های قرآنی، سیره انبیا بر اقتصاد مردم‌محور مبتنی بوده است. با مذاقه در اندیشه‌های اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام برای عبور از قحطی هفت‌ساله در مصر می‌خوانیم:

یوسف گفت: هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید. چون این هفت سال بگذرد، هفت سال قحطی پیش آید که ذخیره شما را بخورند؛ جز اندکی که (برای تخم کاشتن) در انبار نگه دارید. سپس... مردم عصاره می‌گیرند (یوسف: ۴۷-۴۹).

از طرف دیگر، مبنای مردمی‌سازی اقتصاد روح تعاون است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»: در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید» (مانده: ۲). آنچه در این آیه فوق در زمینه تعاون آمده، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. طبق این اصل، مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند. اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و خویشاوندی، با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام برمی‌دارند، همکاری کنند، بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی سامان می‌یابد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۵۷). کلمه «بر» در این آیه به معنای نیکی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۰۰) که مصادیق گوناگونی، از جمله تعاون در تولید کالا و خدمات در جامعه دارد.

۴-۱-۵. سازوکار تبادلات بین‌المللی

از دیگر رهکارهای رفع موانع موجود در نظام پولی، حذف دلار از چرخه اقتصاد و تجارت داخل و بین‌الملل و همزمان توافق با سایر کشورهای هم‌پیمان بر انجام مبادلات تجاری بدون دلار با جایگزینی پول بین‌المللی یا مبادله کالا با کالایی مثل طلا است. «دلارزدایی در بین کشورهای غیراسلامی رو به گسترش است» (کجباف، ۱۴۰۱، ص ۸۴۸) طبق قاعده نفی سبیل، مسلمانان باید در تمام زمینه‌ها، از جمله مسئله مهم پولی و بانکی مستقل باشند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء: ۱۴۱). حذف دلار از مبادلات داخلی و خارجی، از سلطه برنامه‌ریزی‌شده بیگانگان می‌کاهد و نتیجه دلارزدایی، بی‌نیازی از مجوز نظام سلطه در مبادلات اقتصادی و تجاری و در نتیجه از بین رفتن اهرم فشار تحریم در مبادلات است. امکان تحریم کشور در بستر پول اعتباری، توسط کشورهای متخاصم فراهم می‌شود؛ چراکه ریال وابسته به دلار است. در سیستم جدید

پولی نیازی به جابه‌جایی مقادیر عظیم طلا در سطح کشور و حتی جهان نیست و دولت‌ها می‌توانند به دلیل سیالیت طلا، هر جایی لازم بود، صدور حواله و شمش طلا یا تهاتر کالا، سیاست‌های مالی خود را اعمال کنند. «این امر به صورت میدانی در جریان فروش بنزین به کشورهای از جمله ونزوئلا با تهاتر طلا به جای دریافت دلار محقق شد»^۱.

۵-۲. آثار

۵-۲-۱. شفافیت اطلاعات

از علت‌های تورم افسارگسیخته و نیز بسیاری از مفاسد اقتصادی، فقدان شفافیت اطلاعات در حوزه پولی و معاملات تجاری است. «شفافیت به چیزی گفته می‌شود که از پشت آن اشیای دیگر نمایان باشد» (عمید، ۱۳۸۷، ص ۸۴۸). در سیستم‌های شفاف، تصمیم‌گیری با عقل جمعی صورت می‌گیرد. شفافیت‌گرایی از مقوله‌های مورد تأکید در آموزه‌های دینی است. در دین اسلام، حکومت امانتی در دست کارگزاران است و نظارت بر چگونگی استفاده و نگهداری از این امانت و ضرورت پاسخ‌گویی در برابر آن، از الزامات مبانی سیاسی اسلام به شمار می‌آید. حکومت دینی باید در برابر مردم عملکرد شفافی داشته باشد و بر منع کتمان حقایق جامعه و تأکید بر اظهار آن با هدف آگاهی مردم تأکید شده است. در آیه «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن» (اسرا: ۳۶). در مشی قرآن، اطاعت بر مبنای آگاهی است و اطاعت کورکورانه تقبیح شده است؛ بنابراین مردم حق دارند بر اساس آگاهی و البته با رعایت حدود و چهارچوب‌های خاص، از حکومت اطاعت کنند. از نگاه امام علی علیه السلام، حاکمان موظفند به جز اسرار نظامی (دشتی، ۱۳۹۶، ص ۴۰۱) و حریم خصوصی مردم (دشتی، ۱۳۹۶، ص ۴۲۱)، اطلاعات لازم را در اختیار ایشان قرار دهند (دشتی، ۱۳۹۶، ص ۴۰۳). دسترسی آزاد به اطلاعات و علنی بودن آن، از شروط و ابزار لازم برای نظارت و مقابله با فساد است. انتظارات یک گروه خاص که منافع خود را در حکومت دنبال می‌کنند، باعث می‌شود اعتماد مردم به توانایی نظام سیاسی برای تأمین منافع عمومی و توزیع عدالت زیر سؤال رود و به تدریج باعث فرسایش مشروعیت آن شود. عدم اتصال سامانه مالیات کشور به سامانه‌های بانکی و تجاری کشور، سالانه سبب فرار رقم مالیاتی بیش از صدها هزار میلیارد تومان می‌شود. کشورهایمانند فرانسه و آمریکا و بریتانیا در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ [میلادی]، با ترکیب دو حوزه اقتصاد و فناوری اطلاعات پیشگام شده‌اند و سیستم‌ها و سازمان‌هایی مبتنی بر اطلاعات اقتصادی را به کار گرفته‌اند. این ترکیب با توجه به این موضوع انجام شده که بدون شناخت مسائل و تغییرات اقتصادی در تمام سطوح، هیچ برنامه استراتژیکی قابل تدوین نیست و اگر هم تدوین شود، به اهداف خود دست نمی‌یابد. فساد و تبعیض و نابرابری، محصول نامیمون عدم شفافیت اقتصادی و نبود دسترسی آزاد مردم به اطلاعات است. حکومت بدون توجه به اصل شفافیت و دسترسی آزاد مردم به اطلاعات، نمی‌تواند به امنیت دست یابد (شهبازی، ۱۴۰۰، ص ۵۹).

از راه‌های تسهیل دستیابی به شفافیت، ایجاد مانیتورینگ اقتصادی در نظام پولی و معاملات تجاری است. در مانیتورینگ اقتصادی، به‌طور مشخص برای هر فقره معامله اعم از فردی یا هویت معلوم و سازمانی با کد پستی و شناسه تجاری مشخص، یک تراکنش مشخص ثبت و صادر می‌شود. در شرکت‌های کوچک و بزرگ با شناسه کسب‌وکار، مثل فولاد، کلیه تراکنش‌های مالی اعم از هزینه، درآمد، حقوق مدیران و کارمندان، پاداش، سود، زیان، قراردادها و جز آن با ثبت در سایت رسمی شرکت با نشانی مشخص، به صورت مانیتورینگ در دسترس عموم قرار می‌گیرد. قیمت هر جنس با شناسه کالای مشخص در شرکت‌های تولیدی شامل هزینه‌های مستقیم تولید، هزینه‌های غیرمستقیم تولید و قیمت تمام‌شده کالا (قیمت مصرف‌کننده) نیز در سایت شرکت قابل مشاهده است. مانیتورینگ بانک‌ها و مؤسسات

۱. خبرگزاری دانشجو؛ کد خبر: ۸۶۲۱۷۹۰؛ ۲۹ تیر ۱۳۹۹.

پولی و اعتباری می‌تواند به این صورت تعریف شود که در یک سال مالی، مشخص شود چه فرد یا سازمانی چه مبلغ تسهیلات را با بازپرداخت چندماهه و با چه میزان مقدار سود و تضمین بازپرداخت دریافت کرده است. میزان درآمد و هزینه‌های سالیانه، پرداخت حقوق مدیران و کارمندان، پاداش، تراز مالی سالیانه و جز آن نیز به صورت مانیتورینگ مشخص می‌شود. نظام پولی و معاملات تجاری شفاف روشن می‌کند که آنچه انجام می‌شود، چگونه و چرا و بر مبنای کدام استانداردها وضع شده است. کلیه کسب‌وکارهای فردی مثل پزشکی و نیز کسب‌وکار سازمان‌های تجاری از طریق دستگاه کارت‌خوان انجام می‌پذیرد و تراکنش آن‌ها از طریق مانیتورینگ قابل رصد و مشاهده است. همچنین در مانیتورینگ شرکت خودروساز داخلی، مشخص است که خودروساز چه قطعه‌ای را با چه نوع ارز یا مواد اولیه تولید داخل ساخته و قیمت تمام شده خودرو چقدر است. به علاوه میزان درآمد و هزینه‌های سالیانه، پرداخت حقوق مدیران و کارمندان، پاداش، تراز مالی سالیانه و جز آن مشخص و ثبت می‌شود. در بخش فروش محصولات شرکت خودروساز نیز مشخص است که خودرو به چه کسانی و با چه سازوکاری واگذار می‌شود. یکی از اساسی‌ترین نیازمندی‌های تحقق قانون مالیات‌مآزاد بر عواید و مصرف‌مردم، وجود بانک اطلاعات جامع اقتصادی در کشور و شفافیت اطلاعاتی در جامعه است.

۲-۲-۵. تقویت سنت قرض‌الحسنه و تشکیل قرض‌الحسنه طلا

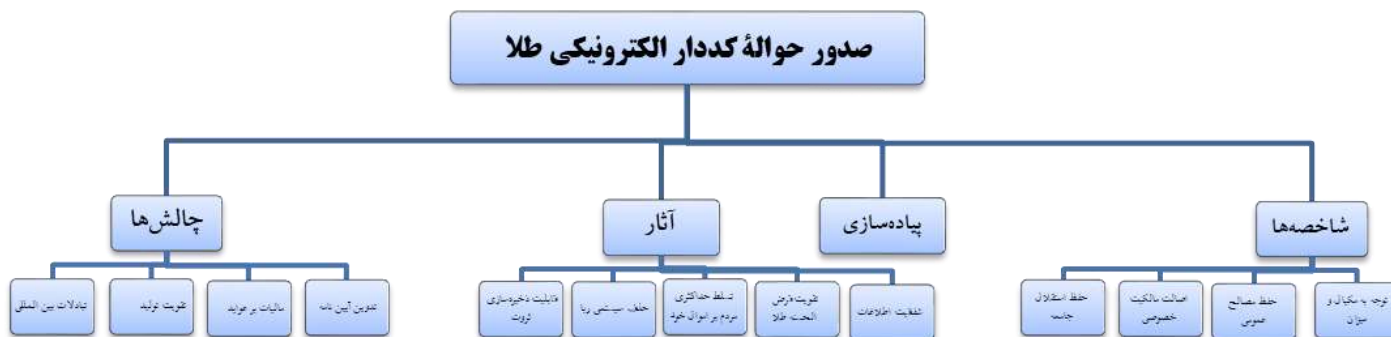
از تفاوت‌های اساسی مکتب اقتصادی اسلام با سایر مکاتب اقتصادی، توجه خاص به تأمین نیازهای معیشتی مردم و در نظر گرفتن راهکارهای انسانی و مناسب با شأن و کرامت انسان است. یکی از راه‌هایی که در قرآن و روایات بسیار تشویق شده، اعطای قرض بدون بهره یا قرض‌الحسنه است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً؛ کیست که به خدا قرض‌الحسنه‌ای دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟» (بقره: ۲۴۵) صندوق‌های قرض‌الحسنه با انجام فعالیت‌های مربوط به متغیرهای مختلف اقتصادی، به‌ویژه متغیرهای پولی، بر تابع مصرف و تابع توزیع درآمد تأثیر می‌گذارند. «از آنجا که صندوق‌های قرض‌الحسنه اقدام به جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌کنند و از طرف دیگر، آن‌ها را در قالب وام‌های قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، منشأ اثر نقدینگی و ضریب تکاثری نقدینگی خواهند بود. صندوق‌های قرض‌الحسنه وجوه مآزاد بر نیاز جامعه را تجهیز می‌کنند و در واقع با جلوگیری از انباشت ثروت، به گردش سرمایه می‌پردازند و در اختیار فرد یا سازمان تجاری قرار می‌دهند. اگر این وام به صورت قرض در اختیار متقاضی واقعی قرار نمی‌گرفت، یا آن کالا خریداری نمی‌شد یا تجارت با تأخیر زمانی انجام می‌شد. این چرخه، توزیع مجددی نسبت به درآمدها به وجود می‌آورد و در مجموع توزیع درآمدها و ثروت‌ها در جامعه را عادلانه‌تر می‌کند. در نتیجه اگر تأثیر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه روی متغیرهای پولی برنامه‌ریزی و کنترل شود، تقویت صندوق‌ها با عملکرد صحیح می‌تواند نقش مثبتی بر کل اقتصاد جامعه داشته باشد» (کشاورزیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۷). نوسانات ارزش ریال، قرض‌شرعی را غیرممکن کرده است و همواره موجب ظلم به قرض‌گیرنده یا قرض‌دهنده می‌گردد؛ بنابراین مبنای طلا به‌عنوان پول ثابت در نظر گرفته می‌شود. با فراگیر شدن طلا به‌عنوان معیار سنجش کالا و خدمات، خلق پول از عدم، محلی از اعراب نخواهد داشت و در نتیجه تورم به حداقل می‌رسد و ارزش دارایی‌های مردم تقریباً ثابت می‌ماند؛ در این شرایط، بر انگیزه خیران برای پرداخت قرض‌الحسنه افزوده می‌شود. بر این اساس و برخلاف الگوی پول اعتباری، در فرآیند وام‌دهی و پس‌انداز، به هیچ‌یک از طرفین ظلمی ناشی از نوسانات ارزش واقعی اتفاق نمی‌افتد. اعضای صندوق قرض‌الحسنه طلا به‌جای استفاده از ریال می‌توانند مقدار مشخصی از طلا را (مثلاً برحسب گرم طلا) به‌عنوان قرض در اختیار وام‌گیرندگان قرار دهند و آن‌ها نیز در موعد مقرر اقساط خود را به‌صورت طلا (مثلاً برحسب میلی‌گرم طلا) به صندوق عودت نمایند. به‌عنوان نمونه، پس‌انداز اعضا از طریق حق عضویت ماهانه برای هر عضو معادل ۱/۰ گرم طلای ۱۸ عیار است.

۵-۲-۳. حذف ربا از ذات سیستم اقتصادی

هنگام وام دادن پولی به دیگری، در واقع ارزش این زمانی آن پول وام داده می‌شود و هنگام پرداخت بدهی نیز، باید همین ارزش بازپرداخت شود. چالش پول اعتباری، کاهش ارزش پولی است که قرض گرفته شده و در صورت گرفتن مبلغی اضافه بر قرض، مسئله ربا پیش می‌آید. قرآن به رباخواران هشدار می‌دهد: «وَإِنْ تَبْتِمُ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظَلَّمُونَ: سرمایه از آن شماست؛ نه ظلم کنید و نه ظلم بشوید» (بقره: ۲۷۹).

هدف آن است که از حواله کددار طلا در مبادلات مالی به نحو مستقیم استفاده شود. مزیت این پول آن است که دیگر کنز و دلالی مسکوکات و ارز، با این پول سودی نخواهد داشت و اشتیاق مردم برای خرید دلار و سایر ارزهای خارجی کم خواهد شد؛ زیرا قیمت طلا و سکه نسبت به این پول همیشه ثابت است و دیگر نیازی به دخالت دولت در بازار ارز وجود نخواهد داشت. بنابراین هدایت نقدینگی به سمت تولید تسهیل خواهد شد. از سوی دیگر شبهه ربوی در قرض دادن آن نیز ایجاد نمی‌شود؛ چراکه دقیقاً معادل طلای قرض داده شده بازپس گرفته می‌شود و نیازی به پرداخت مازاد به وجود نخواهد آمد؛ آنچنانکه در قرض پول اعتباری جهت جبران کاهش ارزش مطرح است. به کارگیری حواله طلا، می‌تواند باعث عبور از چالش‌های خلق پول بدون پشتوانه شود و زمینه جدیدی را در تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی و کنترل حجم نقدینگی در اقتصاد بگشاید. در شرایط فعلی با توجه به اینکه ارزش ریال متغیر است، ربا جزء ذات سیستم پولی شده است و اصولاً نمی‌توان در روابط اقتصادی از جمله معاملات مدت‌دار، کاهش ارزش ریال را دور از انتظار دانست؛ اما در شرایطی که طلا به عنوان معیار سنجش کالا قرار گیرد، به دلیل اینکه این معیار تقریباً ثابت است، ربا از ذات سیستم اقتصادی خارج می‌شود و در صورت وقوع، به یک گناه فردی در یک رابطه فردی تبدیل می‌گردد.

شکل ۱: داده‌نما: طلا به عنوان مصداقی از معیار سنجش کالا و خدمات از نگاه آموزه‌های قرآنی



نتیجه‌گیری

۱. خلق پول از عدم، تورم، ربا و بر هم خوردن توازن نسبت میان ارزش کالا، از جمله چالش‌های اقتصادی کشور است که دلیل عمده آن پول اعتباری است. تورم به معنای کاهش ارزش ریال زمانی اتفاق می‌افتد که پول، اعتباری باشد. با تغییر ماهیت پول از اعتباری به پول ثابت، باید انتظار داشت ساختار اقتصاد تغییر کند.

۲. بر مبنای آموزه‌های قرآنی، معیار سنجش کالا و خدمات باید در ذات خود تورم‌گریز، تحریم‌ناپذیر، فاقد شبهه ربوی و حافظ مصالح عمومی جامعه باشد. بهترین و باثبات‌ترین مصداق پول حقیقی طلاست و به همین دلیل اسلام بر طلا تأکید دارد. این الگویی است که پیش از ظهور اسلام مورد استفاده بوده و مبتنی بر فقه شیعه نیز هست. طلا و نقره جزء کالاهاست و نوسان چندانی ندارد. علت نوسان ارزش کالاها عرضه و تقاضاست و این مشروع است، اما تورم‌زایی بر مبنای پول اعتباری آسیب‌زا و خلاف شرع است.

۳. شیوه پیاده‌سازی این الگو، الگوگیری از تجربیات داخلی و خارجی است. این ایده بر این مبناست که طلا در معامله‌های تجاری، در قالب حواله کددار الکترونیک طلا مبتنی بر کارت‌های هوشمند و نیز به صورت فیزیکی (ضرب حواله کددار) استفاده شود که هر واحد پول طلا دارای شماره سریال خواهد بود.

۴. با کددار بودن حواله طلا، رصد کد (شماره سریال) حواله در گردش تراکنش مالی افراد یا سازمان‌ها ممکن می‌شود و از پولشویی، فرار مالیاتی، سرقت و کلاهبرداری در فضای حقیقی و مجازی، قاچاق کالا و ارز و مواد مخدر و مانند آن جلوگیری می‌کند. اعطای وام و تخصیص اعتبار از هیچ، در فرض پول طلا ممکن نیست و به صورت نهادی، بستر خلق پول از عدم، از بین می‌رود. تبعاً کسی نمی‌تواند تسهیلات کلان و اعتبارات بانکی را به شیوه‌ای ساده و سریع دریافت کند و خلق پول طلا متناسب با رشد تولید کالا و خدمات صورت می‌پذیرد. در نتیجه توزیع ثروت عادلانه‌تر خواهد شد و زمینه شکاف طبقاتی و چرخش ثروت در دست عده‌ای محدود نیز کمتر می‌شود. با توجه به سیال بودن طلا و نرخ تقریباً ثابت طلا در تمام کشورها، واردات طلا همزمان با صادرات کالای تولید داخل انجام می‌شود. سیالیت بالای طلا باعث می‌شود که پول طلا به عنوان یک ارز جهانی پذیرفته شود و بتوان از آن برای انجام معاملات در سراسر جهان استفاده کرد.

مقریزی، تقی‌الدین. (۱۴۱۳ق). النقود الاسلامية شذور العقود في ذكر النقود. المكتبة الشريف الرضى.
مكارم شیرازی، ناصر و همكاران. (۱۳۶۶). تفسير نمونه. دار الكتب الاسلامية.
مورگان، دیوید. (۱۳۷۱). مغولها (عباس مخبر، مترجم). نشر مركز.
موسایی، میثم. (۱۳۷۶). تبیین مفهوم و موضوع ربا. مجلة فقه، ۱۱ (۱۲)، ۲۲-۴۲.
مهرآرا، محسن؛ و غضنفری، آرزو. (۱۳۹۳). بررسی علل تورم در اقتصاد ایران. مجلة راهبرد اقتصادي، ۳ (۲۹)، ۸۶-۶۶.
نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷). جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام. دار الكتب الاسلامية.

Kingas H.& Vanhanent L(1999).Content analisis. Hoitotiede,11,3-12.

Gold as a Measure of Goods and Services: Issuance of Electronic Gold Voucher with Reference to Quranic Teachings

Vahid Salimi¹  Soheila Parastegari^{2*}  Mahbubeh Sadat Fadavi³ 

1. PhD Candidate in Quranic Sciences and Hadith, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Management, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: soheilaparastegary@gmail.com



<https://doi.org/10.22034/jksl.2024.430853.1293>



<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27833356.1403.5.4.3.7>

Introduction

The invention of money was aimed at facilitating exchanges, reducing costs, and creating an indirect relationship between production and consumption. One of Iran's economic problems is the high growth of liquidity, which leads to inflation, the devaluation of currency, and challenges such as stagflation, poverty, and unemployment. Inflation, as a credit-based phenomenon, creates many problems. In Islam, every economic transaction must be based on justice, and compensating for the devaluation of currency without wronging others is important. Therefore, compensation for currency devaluation, if not in the form of usury, must be carried out in an Islamic and just manner. Islam has precise principles in all aspects of life, including economics, which are specifically applied in commercial transactions. To address these issues, using a measure of goods instead of credit money can be an effective solution and help achieve the goal of Islamic civilization.

Methodology

In this research, based on Quranic teachings and using a descriptive-analytical method, a novel idea titled "Issuance of Electronic Gold Code Vouchers" was examined and developed. This idea, as a solution based on Islamic principles, aims to enhance transparency and efficiency in financial and commercial transactions. According to Quranic teachings, which emphasize justice and fairness in transactions, the proposal for issuing electronic gold code vouchers is considered a new method for transferring value. This method, in addition to aligning with jurisprudential principles, could reduce the problems currently present in financial and economic systems, such as inflation and the devaluation of currency.

Findings

In this research, based on Quranic teachings and using a descriptive-analytical method, a novel idea titled "Issuance of Electronic Gold Code Vouchers" was proposed to organize and improve the country's financial and commercial systems. This idea is based on using gold as a reliable economic backing in the form of electronic and physical code

vouchers. In this new system, gold is used as a legitimate currency in commercial transactions, and each unit of gold currency has a unique serial number, known as the voucher code.

One of the key features of this system is the use of smart cards for storing and transferring gold vouchers. These cards allow individuals and organizations to conduct financial transactions electronically and securely. Additionally, physical gold code vouchers can also be minted, and in cases where physical movement of gold is necessary, these vouchers can be used as valid proof in transactions. Each electronic gold voucher unit has a unique serial number, allowing for tracking throughout the financial transaction process.

One of the advantages of this method is its ability to prevent economic corruption. By tracking voucher codes and monitoring financial transactions, the system significantly reduces the possibility of illegal activities such as money laundering and financial corruption. Moreover, this system increases transparency in transactions and strengthens public trust in the economic system.

Reducing inflation and eliminating systemic usury are other significant outcomes of using gold as the standard for goods in this economic model. Traditionally, monetary systems are based on credit money, which, when overproduced, leads to inflation and the devaluation of national currency. However, in this new system, since gold is considered a physical asset with a stable value, inflation is reduced, and the usurious structure of the financial system is eliminated. Therefore, this plan, in addition to being in line with Islamic jurisprudential principles, can serve as an effective solution for improving the country's economic situation.

Conclusion

1. The creation of money from nothing, inflation, usury, and the disruption of the balance between the value of goods are some of the economic challenges the country faces, primarily due to credit money. Inflation, meaning the devaluation of the rial, occurs when money is credit-based. By changing the nature of money from credit to fixed currency, one should expect changes in the structure of the economy.
2. Based on Quranic teachings, the standard for measuring goods and services should inherently be resistant to inflation, immune to sanctions, free from usury, and safeguard the public welfare. The best and most stable form of real money is gold, which is why Islam emphasizes it; a model used even before the advent of Islam and based on Shia jurisprudence. Gold and silver are commodities that do not fluctuate much; if values fluctuate in goods, it is based on supply and demand, which is permissible, but inflation caused by credit money is harmful and against Sharia.
3. The implementation method involves the better selection of domestic and foreign experiences. This idea is based on using gold in commercial transactions in the form of electronic gold code vouchers based on smart cards, as well as in physical form (minting gold code vouchers), with each gold unit having a serial number.
4. With gold vouchers being coded, tracking the voucher code (serial number) in the financial transaction process of individuals or organizations becomes possible, preventing money laundering, tax evasion, theft, fraud in both real and virtual spaces, as well as smuggling goods, currency, drugs, and more. Granting loans and creating credit from nothing in the case of gold money is impossible, and the institutional framework for

creating money from nothing is closed. Consequently, no one can receive large-scale facilities or bank credits by typing money, and the creation of gold money corresponds to the growth of goods and services. As a result, wealth distribution becomes more equitable, and the gap between social classes and the concentration of wealth in the hands of a few are minimized. Due to the liquidity of gold and its almost stable value across all countries, gold imports will occur simultaneously with the export of domestically produced goods.

Keywords: Quranic teachings, inflation, standard for measuring goods and services, gold, electronic gold code vouchers.

References

- Quran (M. Makarim Shirazi, translator) [In Persian]
- Amid, H. (2005). *Amid s Persian Dictionary*, Amirkabir Publishing. [In Persian]
- Ansari, M. (1995). *Al-Makātib al-Muharrama*, Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
- Ayozlu, H. (2008). *Principles and Foundations of the Monetary System in Islamic Economics*, *Islamic Economics*, 8(29), 35-62. [In Persian]
- Baladhuri, A. (1958). *Futūḥ al-Bulān, Al-Saada*. [In Arabic]
- Damiri, K. (1999). *Ḥayāt al-Ḥayawān al-Kubrā*, Al-Maktabah al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Ghaseminasab, S.; & colleagues. (2021). *Income and Capital Gains Tax*, *Economic Research and Policies*, 29(99), 107-151. DOI:10.52547/qjerp.29.99.107. [In Persian]
- Gold and Coleb. (2005). *Encyclopedia of Social Sciences* (M. J. Zahedi, trans.), Mazyar Publishing. [In Persian]
- Haeri Shirazi, M. S. (2012). *Global Currency and the Revival of Islamic Money*, Fatimiyah. [In Persian]
- Ḥillī, H. ibn Y. (1914). *Al-Muntaha al-Maṭlūb*, No Publisher. [In Arabic]
- Hosseini, A. & Hosseini Moghadam, R. (2013). *Advanced Topics in Islamic Finance with Emphasis on Islamic Banking*, *Islamic Finance Research Journal*, 1(1), 19-7. [In Persian]
- Hur Ameli, M. ibn H. (1983). *Wasā'il al-Shi'ah ilā Tahsīl Masā'il al-Shar'ah*, Abdul Rahim Rabbani Shirazi. [In Arabic]
- Jalili, S. (2000). Analyzing the Security Mechanisms of Electronic Payment Systems in the Internet Network, *First Conference on Electronic Banking*, Bank of Export Development of Iran Publishing. [In Persian]
- Kajbaf, H.; & colleagues. (2022). *Iran's Measures and the International Community Against Sanctions with Emphasis on Dollar De-dollarization in the Context of Resistance Economy*, *Strategic and Macro Policies Quarterly*, 10(40), 848-876. DOI: 10.30507/jmsp.2022.318599.2345. [In Persian]
- Keshavarzian Peyvasti, A. (2004). Analysis of the Performance of Monetary Policy Instruments in Iran, *Bank and Economy Journal*, 6(45), 37-34. [In Persian]
- Khūī, A. Q. (2001). *Miṣbāḥ al-'Usūl*, Institute for the Revival of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Kingas, H., & Vanhanent, L. (1999). Content analysis. *Hoitotiede*, 11, 3-12.
- Kulaini, M. ibn Y. (1984). *Al-Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyya*. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1984). *Mirāt al-Uqul fi Sharh Akhbār Al-Rasul*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Majlisi, M. B. (1995). *Biḥār al-Anwār*, Al-Wafa Foundation. [In Arabic]
- Majlisi, M. B. (n.d.). *Al-Awzan wa al-Maqadir*, Unpublished. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N., et al. (1987). *Tafsīr Nimuneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Maqrizi, T. A. D. (1992). *Al-Nuqud al-Islamiyyah. Shudur al-Uqud fi Dhikr al-Nuqud*. Al-Maktabah al-Sharif al-Radi. [In Arabic]

- Moqaddamian, M., et al. (1981). Reflections on the juridical ruling of money creation. *Fiqh-e Madani Teachings*, 14(26), 197-218. <https://doi.org/10.30513/cjd.2021.1488.1294>
- Motahari, M. (1989). *An overview of the Islamic economic system*. Sedra Publications. [In Persian]
- Motahari Nejad, A., & Nasrollahi, Z. (1981). Money manipulation: A consequence of weak rule of law or the cause of it? *Economics and Modern Trade*, 5(3), 119-146. <https://doi.org/10.30465/jnet.2022.41090.1882>
- Morgan, D. (1992). *The Mongols* (A. Mokhber, Trans.). Markaz Publications. [In Persian]
- Motavalli Emami, M. H. (2018). *The Civilizational Crisis of Contemporary Iran*, Mirath Mandegar. [In Persian]
- Mousavi, M. (1997). Clarifying the concept and subject of Riba. *Journal of Fiqh*, 11(12), 42-22. [In Persian]
- Mehrara, M., & Ghazanfari, A. (2014). Investigating the causes of inflation in Iran's economy. *Journal of Strategic Economics*, 3(29), 86-66. [In Persian]
- Muhaqqiq Hilli, N. D. J. B. H. (1987). *Al-Mu tabar fi Sharh al- Mukhtasar*. Majma' al-Dhakhayir al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Najafi, M. H. (1988). *Jawāhir al-Kalām fi Sharh Sharā' al-Islam*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Rāghhib Isfahani, H. ibn M. (1992). *Al-Mufradāt fi Gharīb al-Quran, Dār al- Ilm*. [In Arabic]
- Rāzī, M. ibn H. (2017). *Nahj al-Balāgha* (M. Dashti, translator), Al-Hadi. [In Persian]
- Rezvani, A. A. (2007). *Islamology and Responses to Doubts*, Sacred Jamkaran Mosque. [In Persian]
- Shahbazi, N.; & Frotan, A. (2021). *Economic Transparency and Security: Functional Analysis of Intelligence Organizations*, *Strategic Studies Quarterly*, 4(94), 79-59. [In Persian]
- Subhani, J. (1995). *Al-Mawahib fi Tahri'r Ahkam al-Makasib*, Institute of Imam Sadiq (A). [In Arabic]
- Suyuti, A. ibn A. B. (1994). *Al-Durr al-Manthūr fi al-Tafsīr al-Mathūr*, Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Tabatabai, S. M. H. (1997). *Al-Mizan fi Tafseer al-Quran*, Society of Teachers of the Seminary. [In Arabic]
- Tabrasi, A. B. F. ibn H. (1981). *Majmā' al-Bayan* (A. Beheshti et al., trans.), Farahani. [In Arabic]
- Toutonchian, I. (1996). *Money and Banking Economy*, Institute for Monetary and Banking Research. [In Persian]
- Ṭūsī, M. ibn H. (1990). *Al-Tibyān*, Islamic Media Office. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. ibn H. (1994). *Al-Amālī*, Dar al-Thaqafa. [In Arabic]

How to cite:

Salimi, V. , Parastegari, S. and Fadavi, M. S.(2025). Gold as a Measure of Goods and Services: Issuance of Electronic Gold Voucher with Reference to Quranic Teachings. *Quran, Culture And Civilization*,5 (4), 49-71. Doi: 10.22034/jksl.2024.430853.1293